

## مقدمه

در دانش شناخت ادبیات، «مکتب ادبی» از جمله اصطلاحاتی است که تعریف دقیق و واحدی ندارد و برداشتهای مختلفی از آن انجام می‌شود.

امروزه در زبان روسی نیز برای اطلاق به «مکتب»، اصطلاح школа کمتر استفاده می‌شود و بیشتر واژه направление (محور) را به کار می‌برند. در فرهنگ تفصیلی زبان روسی ذیل واژه школа می‌خوانیم: «محوری در قلمرو دانش یا هنر»؛ تنها ذیل واژه направление است که معنی دقیق‌تری برای اصطلاح مکتب می‌یابیم: «گروه‌بندی یا جریان علمی یا اجتماعی»<sup>1</sup>. با جمع‌بندی تعریفهای ارائه‌شده در منابع دیگر نیز فقط می‌توان به تعریفی بسیار ساده و کلی دست یافت: مکتب ادبی عبارت است از گروهی نویسنده که آثارشان تحت تأثیر جهان‌بینی یا مشرب فکری خاصی، دارای ویژگیهای شکلی یا محتوایی مشابهی باشد. ولی در همان حال باید توجه داشت که میزان این مشابهت، بسیار نسبی است. آثار هر نماینده یک مکتب ادبی ممکن است شاخصه‌های منحصربه‌خود را نیز داشته باشد که در آثار نویسندگان هم‌مکتبش یافت نشود. از سوی دیگر، اصول و چهارچوبهای مشترک یک مکتب واحد نیز ممکن است در طول زمان تغییر کنند، همانند تغییراتی که در طول زمان در مکتب رئالیسم روسی سده نوزدهم میلادی رخ دادند و باعث شدند دوره آغازین آن، نام مستقل «مکتب طبیعی»<sup>2</sup> را به خود بگیرد. حتی یک نویسنده نیز در طول زندگی هنری خود ممکن است در چهارچوب مکتبهای گوناگونی فعالیت کند، همانند پوشکین، لرمانتوف و گوگول که برخی از آثارشان را می‌توان متعلق به مکتب رمانتیسم دانست و برخی دیگر را متعلق به مکتب رئالیسم. حتی یک اثر واحد را ممکن است از وجوه گوناگون به مکتبهای مختلف منسوب کرد، همان‌گونه که گروهی از منتقدان دختر سروان پوشکین را یک رمان تاریخی رمانتیک می‌دانند و گروهی دیگر آن را اثری رئالیستی ارزیابی می‌کنند. ذکر همه این موارد به منظور تأکید بر آن است که «مکتب ادبی» مفهومی است با مرزهای نه چندان دقیق و روشن، و ارائه تعریفهای جامع و مانع از مکتبهای مختلف ادبی، به شکلی که بتوان هر اثر ادبی را با دقت ریاضی در قالب مکتبهای مختلف طبقه‌بندی کرد، امکان‌پذیر نیست. البته این ابهام و عدم قطعیت در ذات علوم انسانی است و یکی از زمینه‌های زیبایی و پویایی این علوم را پدید می‌آورد.

در عین حال باید توجه داشت که «مکتب» را نباید با «سبک»<sup>3</sup> اشتباه گرفت. «سبک» عبارت است از شاخصه‌های شیوه بیان نویسنده، یعنی اینکه نویسنده با چه ابزار عینی و ملموسی پیام خود را به خواننده منتقل می‌کند؛ به عبارت دیگر، «مکتب» بیشتر با مسائل ذهنی، چگونگی تفکر و نگرش نویسنده به جهان ارتباط پیدا می‌کند و «سبک» با مسائل عینی و ظاهری نوشته او. البته هر مکتب ممکن است بسته به ویژگیهای خود، «سبک» خاصی را نیز طلب کند و مثلاً بتوان در کنار «مکتب رئالیسم» از «سبک رئالیستی» نیز سخن گفت، ولی به هر حال، به بیان کلی، «مکتب» پیش از هرچیز با شیوه تفکر و جهان‌بینی نویسنده مشخص می‌شود و «سبک» با شیوه بیان همین تفکر و جهان‌بینی، و معمولاً «مکتب» است که

1. Ожегов, Шведова, «Школа», «Направление».

2. натуральная школа

3. стиль = style

«سبک» مقتضی خود را پدید می‌آورد. گذشته از آن، «سبک» ممکن است فردی باشد، مانند سبک جویس یا سبک نابوکوف، در حالی که «مکتب» تقریباً همیشه پدیده‌ای است گروهی.

در این کتاب سعی شده است مکتب‌های ادبی عمده در تاریخ ادبیات روسیه معرفی شوند. همین تأکید بر ادبیات روسی موجب شده است تا برخی از مکتب‌های معروف ادبیات جهان، مثلاً ناتورالیسم، که در روسیه نسبت به مکاتب دیگر رواج چندانی نداشت، در کتاب مورد بررسی قرار نگیرند، حتی با وجود آنکه در میان آنها ممکن است موارد ارزشمندی هم یافت شوند. برای مثال امپرسیونیسم لئانید آندریف یا مکتب ایماژینیسم (مکتبی مبتنی بر «تصویر هنری» که البته آن را نباید با ایماژیسم ازرا پاند اشتباه گرفت) از مقولات بسیار جالب توجه در مکتب‌های هنری روسیه است، ولی به هر حال از آنجا که مطالب کتاب با هدف تدریس در کلاسهای درس دانشگاه تدوین شده‌اند و باید محدودیت زمانی این تدریس را نیز در نظر گرفت، ناگزیر فقط به مکتب‌هایی پرداختیم که در زمان خود رواج و محبوبیت گسترده‌ای پیدا کردند و شمار نسبتاً زیادی از نویسندگان را تحت تأثیر قرار دادند.

مطالب کتاب در وهله نخست برای دوره‌های کارشناسی زبان و ادبیات روسی و کارشناسی ارشد ادبیات روسی طرح‌ریزی شده است. معمولاً در دوره کارشناسی به مکتب‌های سده‌های هجدهم و نوزدهم (کلاسیسیسم، سانتی‌مانتالیسم، رمانتیسم، رئالیسم) پرداخته می‌شود و مکتب‌های قرن بیستمی در دوره کارشناسی ارشد با گرایش ادبیات روسی مورد بررسی قرار می‌گیرند. با وجود این، این کتاب می‌تواند برای دانشجویان و علاقه‌مندان سایر رشته‌های ادبی نیز مورد استفاده قرار گیرد و یکی از انگیزه‌های اصلی برای نگارش آن به زبان فارسی (و نه روسی) نیز همین مسئله بود؛ امید که بتواند در افزایش آشنایی فارسی‌زبانان با ادبیات روس مؤثر باشد.

آبتین گلکار

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس